

BAB-1 MEŞİHA'Y

TA.V. 13

22 OCAK

1997

۴۴۵
M. B. S. K. A.

می کردند. این استعمال بعداً در میان نویسندگان اروپایی نیز رواج یافت. به همین سبب، در قراردادهای تجاری متعدد میان مصر و دول غربی که به زبان لاتینی نوشته شده و آماری آنها را منتشر کرده است واژه «بابیلونیا» با املاهای متفاوت، به قاهره اطلاق شده است. این نام در پیمان نامه‌ها و نوشته‌های جدید اروپا، از جمله در آثار ماندویل^۶ سیاح و بوکاتچو^۷ که صلاح الدین را «سلطان بابیلونیا» می خواند، نیز دیده می شود. منابع: یاقوت، ج ۱، ص ۴۵۰؛ مقریزی، خطط، چاپ معهدالآثار الشرقیة الفرنسی، ج ۵، ص ۶-۱۳؛ ابوصالح (چاپ Evetts و Butler)، گ ۲۲۳؛

Casanova, *Les Noms coptes du Caire et des localités voisines*, in *BIFAO*, i, 26; Amélineau, *Géographie de l'Égypte à l'époque copte*, 75 and *passim*; Quatremère, *Mémoires sur l'Égypte*, ii, 45; *Papyri Schott-Reinhardt*, 98; *Zeitschr. für Assy.*, xx, 84, 91; Caetani, *Annali*, iv, A. H. 21 § 143; A. R. Guest, *The Foundation of Fustat*, in *JRAS* 1907, 49ff; Michele Amari, *I Diplomi Arabi del R. Archivio Fiorentino*, Florence 1863; U. Monneret de Villard, *Recherche sulla Topografia di Qasr es-Sam'*, *Bull. Soc. Royale de Géog. d'Égypte*, xii-xiii.

/بکر (د. اسلام)/

باب مَشِیخَت (نیز: شیخ الاسلام قاپی سی، شیخ الاسلام دایره سی، باب فتوی، فتوی خانه)، منصب یا محل کار شیخ الاسلام* (مفتی اعظم استانبول) در عصر عثمانی. مقام شیخ الاسلامی که در زمان سلطان مراد دوم (حک: ۸۲۴-۸۵۵) به وجود آمد وظیفه صدور فتوی و نظارت بر امور قضایی و آموزشی را به عهده داشت. این وظایف را، که در آغاز خیلی محدود بود و بتدریج گسترش یافت، شیخ الاسلام در خانه خود انجام می داد؛ و اگر خانه اش از شهر دور بود خانه ای برای این منظور در شهر تهیه می کرد. در ۱۲۴۲ که سلطان محمود ثانی پنی چری* را منحل کرد، اقامتگاه رسمی آقای (رئیس) بنی چریها را در نزدیکی مسجد سلیمانیه به شیخ الاسلام واگذار کرد و مقرر دایمی باب مشیخت شد.

مقام مشیخت برای شیخ الاسلام در حد رتبه صدارت صدراعظم بود، جز اینکه مقام مشیخت مسبوق بر رتبه شیخ الاسلامی بود. در تاریخ عثمانی فقط سه تن به مقام مشیخت رسیدند که شیخ الاسلام نبودند: یکی عمر افندی معلم سلطان عثمان ثانی (حک: ۱۰۲۸-۱۰۳۲) که هرگز به شیخ الاسلامی نرسید، و دیگر قره چلبی زاده عبدالعزیز افندی که اندکی پس از رسیدن به مقام مشیخت شیخ الاسلام شد، و سوم فتح الله افندی پسر ارشد فیض الله افندی آرزرومی که پیش از رسیدن

۱۳۲۹ ش: کمال محمودزاده، شناخت دریای مازندران و بیرامون آن، تهران ۱۳۵۰ ش: سید ظهیرالدین مرعشی، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، چاپ برنهارد دارن، سن پترزبورگ ۱۸۵۰، افسست تهران ۱۳۶۳ ش: میرتیمور مرعشی، تاریخ خاندان مرعشی مازندران، چاپ منوچهر ستوده، تهران ۱۳۵۶ ش: ملاجلال منجم، تاریخ عباسی، چاپ سیف الله وحیدنیا، تهران ۱۳۶۶ ش: ملاشیخعلی گیلانی، تاریخ مازندران، چاپ منوچهر ستوده، تهران ۱۳۵۲ ش: ملگونف، سفرنامه نواحی شمال ایران، ترجمه پطرس، تهران ۱۳۶۳ ش: میرزا ابراهیم، سفرنامه استراباد و مازندران و گیلان، ۱۳۵۳ ش.

/عباس زریاب/

بابلیون^۱، شهری باستانی در مصر، نزدیک قاهره کنونی. به گفته کارانوا^۲، کلمه بابلیون که در قرون وسطی به این شهر اطلاق شده شکل یونانی شده «بی- هابی- ن- اون^۳» مصر باستان بر اساس مشابهت صوتی با «بابولون^۴» [بابل] آسیایی است که نزد یونانیان آشنا بوده است. البته این وجه اشتقاق کاملاً خالی از ایراد نیست، ولی این تسمیه مبتنی بر نام مکانی در مصر باستان است. مراد از این نام، شهر و باروی باستانی یونانیان است که در مرز میان مصر علیا و سفلی قرار داشت و از لحاظ نظامی بر داخل آن کشور مسلط بود. قسمتهایی از باروی کهن اکنون نیز در نزدیکی قصر الشَّمْعَه موجود است. در دوران باستان رود نیل در مسیری شرقی تر از مسیر فعلی جریان داشت و موقعیت بابلیون بسیار مساعدتر و از اهمیت بیشتری برخوردار بود. هنگام فتح مصر به دست عمروعاص، پیکارهای مهمی در این محل به وقوع پیوست و سقوط بابلیون (۲۱ ربيع الآخر ۲۰) سرنوشت مصر را تعیین کرد. اردوگاه نظامی عربها، که بعداً به صورت شهر «فسطاط مصر» درآمد، در نزدیکی این محل که از نظر نظامی حایز اهمیت بود برپا شد و بقایای باروی قدیم در بنای آن مورد استفاده قرار گرفت. از مطالب مندرج در پاپیروسها چنین بر می آید که تا پایان قرن اول/ هفتم میان بابلیون و فسطاط تمایز وجود داشته است. مهاجران در فسطاط می زیستند و «خَطَه»های ایشان مشخص بود. بابلیون مرکز تجار بزرگ غله و مقر ادارات دولتی بود. زرادخانه واقع در جزیره «روضه» که در پاپیروسها مذکور است با دژ نظامی ارتباط نزدیک داشت. بالطبع تمایز اصلی میان فسطاط و بابلیون زود از میان رفت. استعمال نام بابلیون در میان عربها از رواج افتاد و فقط قبطیان آن را به کار می بردند. آنها حتی مصداق آن را وسعت بخشیدند و بابلیون را در بعضی از موارد به مجموعه عظیمی از شهرها که از قصر الشمعه و فسطاط و قاهره تا مطر به- هلیوپولیس امتداد داشت اطلاق

1. Babylon 2. Casanova 3. Pi-Hapi-n-on 4. βαβυλών 5. Amari 6. Mandeville 7. Boccaccio

Danışnâme-i Cihan-ı İslam, B-faruk 1,

«دائرة المعارف ترک»، (XVI/276).

اگرچه با اعلان مشروطیت در ۱۳۲۷ ق/۱۹۰۹ م از اهمیت باب مشیخت به تدریج کاسته شد، اما تافروپاشی دولت عثمانی همچنان وظایف خود را انجام می داد. بالغو خلافت و اعلان جمهوریت، عمر باب مشیخت نیز پایان یافت و به جای آن «اداره امور مذهبی» وابسته به نخست وزیری تشکیل شد. ساختمان باب مشیخت امروزه اداره «مفتی لیک» استانبول است («دائرة المعارف دیانت، همانجا).

مأخذ: شاو، ا.ج. و اک. شاو، تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید، ترجمه محمود رمضان زاده، مشهد، ۱۳۷۰ ش؛ طیارزاده، احمد عطا، تاریخ، استانبول، ۱۲۹۳ ق؛ نیز: Lütfi, A., *Tarih*, Istanbul, 1984; Pakalın, M.Z., *Osmanlı tarih deyimleri ve terimleri sözlüğü*, Istanbul 1983; *Ser' iye sicilleri*, Istanbul, 1988; *Türk ansiklopedisi*, Ankara, 1968; *Türkçe sözlük*, Ankara, 1988; *Türkiye diyanet vakfı İslâm ansiklopedisi*, Istanbul, 1991; Uzunçarşılı, İ.H., *Osmanlı devleti teşkilâtından kapukulu ocakları*, Ankara, 1984. علی اکبر دیانت

بابُ المَندَب، تنگه‌ای در جنوب غربی قاره آسیا بین گوشه

جنوب غربی شبه جزیره عربستان و شمال شرقی قاره آفریقا که دریای سرخ را به خلیج عدن متصل می سازد. در طرف آسیایی تنگه، یعنی منتهی الیه جنوب غربی شبه جزیره عربستان که جزو خاک جمهوری یمن محسوب می شود، رأس باب المندب قرار دارد که دماغه گوه مانند از زمین است که به سوی دریا پیش رفته است و بخش آسیایی تنگه را تشکیل می دهد. در طرف آفریقایی تنگه، رأس سیان در جمهوری جیبوتی قرار دارد («فرهنگ...»، I/387). پهناي این تنگه حدود ۳۲ کم است. جزیره پریم این تنگه را به دو گذرگاه بزرگ و کوچک تقسیم می کند. گذرگاه پهن تر (غربی) ۲۶ کم و گذرگاه باریک تر (شرقی) ۲ کم پهنا دارد (فانک...، ذیل باب المندب). باریک ترین قسمت تنگه بزرگ با عرض ۱۲/۴ کم مسیر مطمئنی برای کشتیهای بزرگ است، زیرا ژرفای آب در سراسر آن میان ۱۸۰ تا ۳۱۵ متر است و در مسیر این آبهای عمیق هیچ خطری وجود ندارد. تنگه کوچک چون دارای مسیری کوتاه تر و مستقیم تر است، بیشتر مورد استفاده کشتیهای بخاری و بادبانی است («فرهنگ...»، همانجا). باب المندب همواره در معرض بادهای موسمی اقیانوس هند است و کشتیهای مصری در عهد باستان به کمک همین بادهای وارد آنجا می شدند (گوبینو، 63).

کهن ترین سند درباره باب المندب دو کتیبه سبایی متعلق به نیمه نخست سده ۶م (احتمالاً ۵۱۷ - ۵۲۵ م) است که در آن به دو گریبهای یوسف دونواس پادشاه سبایی باحبشیمان اشاره شده است. در این دو کتیبه از «سلت مدین ۷» که احتمالاً به معنای «سلسله المندب» است، یاد شده است. این سلسله شاید زنجیری بوده که یوسف در بخشی از تنگه برای جلوگیری از عبور حبشیمان کشیده بوده است (نک: ریکمانز، 335-336). اغلب جغرافی دانان و مورخان اسلامی در آثار خود از مندب نام برده اند (نک: یعقوبی، ۳۱۹؛ ابن خردادبه، ۱۴۱؛ طبری، ۱۲۷/۲؛

بزرگ و زمینهای سرسبز زراعی وساکنان مرفه بود (۳۲۳/۱). در مدارک سده ۸م از مخازن دانه و غلات، و کارگاههای آهنگری و کشتی سازی و نساجی بابلئون یاد شده است (نک: باتلر، بابلئون، 14, 29-30). در بابلئون معابد یونانی و کتیسه های کهن هم وجود داشت (نک: مقریزی، ۴۲۴/۳؛ استرابن، 87).

مأخذ: ابن عبدالحکم، عبدالرحمان، فتوح مصر و اخبارها، بغداد، ۱۹۲۰ م؛ ادرسی، محمد، نزهة المشتاق، بیروت، عالم الکتب؛ بلاذری، احمد، فتوح البلدان، لیدن، ۱۸۶۵ م؛ طبری، تاریخ؛ کازانوا، پل، تاریخ و وصف قلعة القاهرة، ترجمه احمد دزاج، قاهره، ۱۳۹۴ ق/۱۹۷۴ م؛ مقریزی، احمد، الخطط، بیروت، ج ۲، دار احیاء العلوم، ج ۳، دار العرفان؛ یاقوت، بلدان؛ یعقوبی، احمد، البلدان، لیدن، ۱۸۹۱ م؛ نیز: Boccaccio, G., *Das Dekameron*, tr. A. Wesselski, Frankfurt, 1976; Butler, A. J., *The Arab Conquest of Egypt*, Oxford, 1978; id, *Babylon of Egypt*, Oxford, 1914; *Diodorus of Sicily*, tr. C. H. Oldfather, London, 1968; EI²; Guest, A. R., «The Foundation of Fustat and the Khittahs of that Town», JRAS, 1907; Strabo, *The Geography*, tr. H. L. Jones, London, 1949. پرویز امین

باب ماجین، نک: یسویه.

بابِ مَشِیخَت، اداره و محل کار شیخ الاسلام - بالاترین مقام دینی - در نظام اداری دولت عثمانی، به ویژه پس از انحلال تشکیلات بنی چری. این اداره به شیخ الاسلام قایی سی، باب فتوا و فتواخانه نیز معروف بوده است (لطفی، IX/39؛ پاکالین، I/142؛ «دائرة المعارف دیانت»، IV/363).

شیخ الاسلامها که صدور فتوا و اداره امور مذهبی را انجام می دادند، و از لحاظ موقعیت در دستگاه دولت هم مرتبه با صدر اعظم یا یک مرتبه پایین تر بودند («فرهنگ...»، II/1382)، ابتدا محل مخصوصی نداشتند و در خانه هایشان وظایف خود را انجام می دادند. پس از برجیده شدن سپاه بنی چری به دست سلطان محمود دوم در ۱۲۴۲ ق که به «واقعه خیریه» معروف است، ساختمان «آغا قایی سی» محل فرماندهی چریها (طیارزاده، ۱۳۹/۲ - ۱۴۰؛ اوزون چار شیلی، I/394؛ «سجل...»، I/67؛ شاو، ۱۳۹/۲). از ۱۲۵۲ ق/۱۸۳۶ م تمام دوایر وابسته به نهاد مشیخت به محل جدید انتقال یافت. در این محل که «باب والای فتوا» نیز نامیده می شد، دایره ای به نام «فتواخانه عالی» تشکیل شد که به عنوان یک مرکز علمی و وظیفه پاسخ گویی به مسائل حقوقی دول اسلامی و گاه ارویایی را بر عهده داشت («سجل...»، I/66-67).

باب مشیخت از واحدها و دوایر گونه گونی تشکیل می شد که هر یک مسئولیت و وظیفه خاصی را بر عهده داشت. طبق یک سنت، خاموش شدن چراغ باب مشیخت، نشانه عزل شیخ الاسلام بود («دائرة المعارف دیانت»، همانجا). از مقامهای مهم این نهاد یکی نیز «امین فتوا» بود که مسئولیت اعلان و صدور نظریات حقوقی و مذهبی شیخ الاسلام را بر عهده داشت و در رأس فتواخانه در باب مشیخت بود (پاکالین، I/621؛

42063

İstanbul Müftülüğü kütüphanesinde buhman meşihat fetvaları. *DÜZENLİ, Pehlül*. Yüksek Lisans. Marmara Üniversitesi, Sosyal Bilimler Enstitüsü, İstanbul, 1995. 168 s., 83 ref.
Danışman: Prof. Dr. İbrahim Kafi Dönmez. Dili: Tr.

Bab-ı Meşihat 02.0010

SONRA GELEN DOKÜMAN
MADDE YAYINLARI

22 Haziran 2015

03292



Handwritten text in Ottoman Turkish script, including a circular stamp and a rectangular stamp with a portrait.

MEŞİHAT ARŞİVİ

MŞH. SAİD

225

14

1

02 Kasım 2019

Bab-ı Meşihat
020013

BÂB-I MEŞİHAT ARŞİVİ EVRAKI

Prof. Dr. Bilgin AYDIN
İstanbul Medeniyet Üniversitesi

Prof. Dr. İhami YURDAKUL
Bilecik Şeyh Edebali Üniversitesi

Günümüzde Osmanlı dönemine ait arşiv malzemesinin büyük bir kısmı Osmanlı başkenti İstanbul'da toplanmış bulunmaktadır. İstanbul'daki arşivler dağınık halde bulunduğu için Başbakanlık Osmanlı Arşivi'nin kurulmasından sonra bu arşivler tek bir çatı altında toplanmaya çalışılmıştır. Başbakanlık Osmanlı Arşivi'nin dışında, sahip olduğu defter ve belgeler bakımından en zengin koleksiyonlardan sayılabilecek iki arşiv; Şer'iyye Sicilleri Arşivi ve Meşihat Arşivi günümüzde İstanbul Müftülüğü'ne bağlı bulunmaktadır. Şer'iyye Sicilleri Arşivi'nde 10.000 civarında defter ve Meşihat Arşivi'nde ise 5.000'e yakın defter ve yüzbinlerce belge bulunmaktadır.

Bâb-ı Meşihat'ın 1826 yılında Ağakapısı'nda tesis ve şeyhülislâmların burayı daimi ikamet mahallesi olarak kullanmaya başlamasıyla Bâb-ı Meşihat'te zengin bir arşiv meydana gelmiştir. Bu çalışmada Bâb-ı Meşihat'te bir asır boyunca biriken belgelerin arşivcilik bakımından taşıdıkları değer incelenecektir. Meşihat Arşivi evraku dosya usulü, öncesi ve sonrası olmak üzere iki dönem halinde incelenebilir. Bunun dışında Meşihat Sicil Dosyaları ve Fetvâhane evrakı da iki önemli seri oluşturmaktadır.

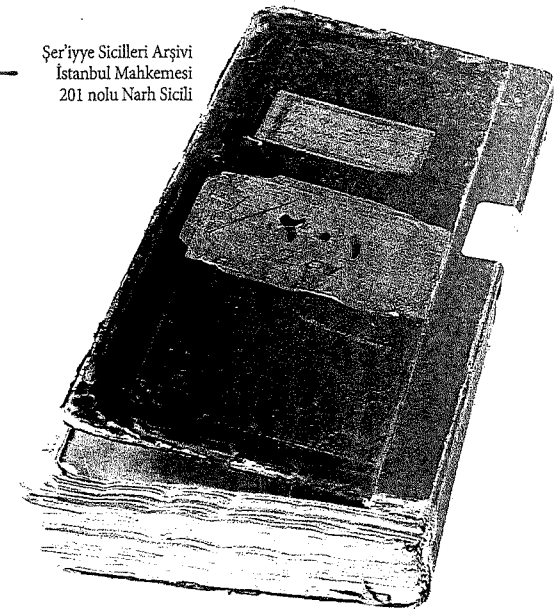
I. Dosya Usulü Öncesi Evrak

Osmanlı evrak sisteminin günümüzdeki sistemler-

le benzerliğinin bulunmaması ve bu sistemin uzun bir tarihi seyir içerisinde köklü değişimler yaşamış olması bu sistemin anlaşılmasını güçleştirmektedir. Bu güçlüğü, aynı anda iki farklı uygulamanın yürürlükte olması da katkıda bulunmaktadır. Osmanlı Devleti'nde yazışma usullerinin tarihi gelişimi ve bürokratik teşkilatlanma şekli, farklı evrak serilerinin meydana gelmesinde başlıca faktörler olmuştur. Genel olarak evrak serileri muamele gördükleri büroların tutumuna göre farklı gruplar oluşturmaktadır.

XIX. yüzyılın ikinci yarısına kadar Osmanlı evrak sisteminde müşahade edilen en önemli özellik, kalemler tarafından gelen yazılara verilen cevapların gelen evrak üzerine kaydedilmiş olmasıdır. Bunun bir istisnası ise gelen evrakın ayrı bir belgede telhisinin çıkarılmış olması veya şifâhen arz edilerek muamelesinin yapılmasıdır. İstid'â, arıza ve ruka ismi verilen belgelerle yapılan şahsî müracaatlarda muamelenin genellikle telhis yoluyla veya şifâhen yapıldığı görülmektedir. Muamelenin gelen evrak üzerinde icra edilmesi usulü büroların leff adı verilen ve gelen evrakla ilgili muamelenin ayrı bir kağıda yazılması esasına dayanan usulü kabulüne kadar devam etmiştir. Gelen evrakın muamelesinin tamamlanmasından sonra cevap olarak kaleme alınan yazının bir suretinin saklanması ihtiyacı, Osmanlı Devleti'nde beş asır boyunca kullanılacak olan kayıt defterlerini ortaya çıkarmıştır. Giden evrakın suretlerinin defterlere kaydedilmesi usulü ise dosya sistemine geçilinceye kadar devam etmiştir. Osmanlı Devleti'nde Tanzimatla beraber kurulmaya başlanan nezaretlerde de klasik kalemiye usulleri bir müddet devam etmiş ve Bâb-ı Âli evrak odasının kurulmasıyla, kalemiyeden daire veya büro sistemine geçiş başlamıştır. 1826 yılında eski Ağakapısı'nın yerinde kurulan Bâb-ı Meşihat'ta da aynı gelişmeler yaşanmıştır. Meşihat Arşivi'ndeki evrak yukarıda bahsedilen gelişmeler sonucu teşekkül etmiş iki ana seriden meydana gelmektedir. Bunlardan ilki, dosya usulü öncesinde gelen evrakın muamele gördükten sonra paketler halinde muhafaza edildiği seridir. İkinci grup ise dosya usulünden sonra, gelen evrakla giden evrak

Şer'iyye Sicilleri Arşivi
İstanbul Mahkemesi
201 nolu Narh Sicili



suretinin (müsveddesinin) bir arada muhafaza edildiği dosya usulü evrak serisidir.

Meşihat Arşivi'ndeki belge koleksiyonlarının hangi esaslar dahilinde sıralandığını tesbit edebilmek için bunların kaydedildiği defterleri incelemek gerekmektedir. Defterler arşiv vesikalarının tanzim ve tasnifinde anahtar durumundadır. Özellikle Osmanlı devletinde evrak kayıt sistemlerinin ortaya çıktığı XIX. asrın ilk yarısına ait olan ve amed-reft/varide-sadıra olarak adlandırılan defterler vesikaların üzerindeki numaralarla mutabakat halindedir. Osmanlı yazışmalarında dosya usulünün başlangıcına kadar arşiv vesikaları zarflar veya paketler içerisinde muhafaza edilmişlerdir. Bu döneme ait vesikalar muamelenin bitiş tarihini esas alan bir numara ile ve tek bir seri teşkil edecek şekilde arşivlenmişlerdir. Bu sebeple torbalar içerisindeki vesikaları dairelerine göre ayırmak şeklinde bir tasnif organik metod olarak da isimlendirilen provenans sisteminin esaslarına muhaliftir. Çünkü Osmanlı Devleti'nde Tanzimat sonrasında ortaya çıkan müesseselerde bir nezarete bağlı dairelerin vesika koleksiyonlarından bahsetmek mümkün değildir. Bu daireler yapmış oldukları yazışmaların kopyalarını/suretlerini müzekekkire, derkenar ve müsvedde ismi verilen defter-